

مشارکت بر باد رفته



علی ملکی خبرنگار گروه نقد روز

مشارکت ۴۰ درصدی در انتخابات ریاست جمهوری مورد عجبی بود که توسط وزارت کشور اعلام شد. تا پیش از این سازمان های افکارسنجی و نظرسنجی های متعلق به طیف های مختلف، نوید افزایش مشارکت و رسیدن آن به بالای ۵۰ درصد را داده بودند. همچنین با وجود یک کاندیدای اصلاح طلب و اعلام حمایت چهره های مختلف این طیف از او، انتظاریایی مبنی بر یک رقابت جدی میان نامزدها وجود داشت. در نهایت اما این کاهش هشت درصدی مشارکت نسبت به انتخابات ۱۴۰۰، رقابت انتخاباتی را به دور دوم کشاند. بررسی جزئیات مشارکت در استان ها مختلف اما نشانگر برخی از دلایل این افت مشارکت است. در ادامه با مقایسه نرخ مشارکت در انتخابات اخیر و انتخابات سال ۱۴۰۰ به بررسی این موضوع می پردازیم.

در کدام استان ها مشارکت نسبتا بالا بود؟

خراسان جنوبی با ۶۰ درصد و قم با ۵۷ درصد آرا، از جمله استان هایی هستند که بیشترین میزان مشارکت در انتخابات ۱۴۰۳ را رقم زدند. رئیس ستاد انتخابات استان خراسان جنوبی اعلام کرد براساس شمارش آرای ماخوذه انتخابات چهاردهمین دوره ریاست جمهوری در این استان، سعید جلیلی با ۲۲۵ هزار و ۸۲۵ از میان ۳۹۱ هزار و ۳۹۲ رای، بیشترین میزان رای این استان را به خود اختصاص داده است. البته به طور کلی آمار مشارکت این استان نسبت به انتخابات سال ۱۴۰۰، چهارده درصد کاهش داشته است. استان قم اما با چهار درصد رشد میزان مشارکت نسبت به انتخابات سال ۱۴۰۰، با ۵۷ درصد مشارکت در رتبه دوم بیشترین میزان مشارکت قرار دارد. در قم هم نام سعید جلیلی بر بیشتر تعرفه های خارج شده از صندوق دیده می شود. معمولا در خراسان جنوبی و قم که از استان های پرجمعیت هم هستند، جریانات اصولگرایی نسبت به اصلاح طلبی بیشتر مورد قبول جامعه قرار می گیرند. مشارکت نسبتا بالای مردم این دو استان در انتخابات و اکثریت مطلق رای جلیلی نسبت به پزشکیان، می تواند متأثر از بدنه ایدئولوژیک این دو استان باشد. علاوه بر این استان تهران هم با افزایش ۱۱ درصدی مشارکت نسبت به انتخابات سال ۱۴۰۰ روبه رو بوده و این موضوع می تواند حاکی از پرشدن سبد رای پزشکیان توسط بخشی از طبقه متوسط تهران باشد.

این کاهش مشارکت معنادار است

فارغ از نرخ نسبتا بالای مشارکت در استان های خراسان جنوبی و قم،

نرخ مشارکت در سایر استان ها اصلا مطلوب نیست. خراسان جنوبی با وجود دارا بودن نرخ مشارکت نسبی بالا، نسبت به انتخابات سال ۱۴۰۰ کاهش نرخ مشارکت ۱۴ درصدی داشته است. در سمنان هم نرخ مشارکت ۲۲ درصد کاهش داشته و ایلامی ها هم ۱۶ درصد کمتر پای صندوق آمدند. در چهارمحال و بختیاری مشارکت ۵۴ درصدی سال ۱۴۰۰ به مشارکت ۳۸ درصدی در انتخابات اخیر رسید و ۱۶ درصد کاهش یافت. استان های شمالی کشور هم به صف استان های با افت مشارکت پیوستند. مازندرانی ها ۱۹ درصد و گلستانی ها ۲۵ درصد کاهش مشارکت رقم زدند.

واجدان شرایط کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۴۰۰، با ۶۲ درصد مشارکت پای صندوق آمدند و امسال این مشارکت با کاهش ۱۷ درصدی به ۴۵ درصد رسید. همان طور که اشاره شد اهالی سیستان و بلوچستان که در سال ۱۴۰۰ مشارکت حدود ۶۳ درصدی داشتند، سه سال بعد میزان مشارکت شان به کمتر از نصف یعنی ۳۰ درصد رسید. در غرب کشور هم کردستانی ها آمار مشارکت ۲۳ درصدی را ثبت کردند تا نسبت به سال ۱۴۰۰ حدود ۱۴ مشارکت این استان افت کند. این در حالی است که مسعود پزشکیان طی کمپین های تبلیغاتی خود به این استان سفر کرده و در شهر سمنندج مورد استقبال بخشی از مردم این شهر واقع شده بود.

اعتراضات پاییز سال ۱۴۰۱ در این دو استان شدت بالایی داشت، به خصوص استان سیستان و بلوچستان که از لحاظ امنیتی در موقعیت خاصی قرار دارد. در آن برهه زمانی بخشی از اعتراضات رویه خشونت آمیز و رادیکالی به خود گرفت. اما بخش دیگری از اعتراضات روند سالمی داشت و مطالباتی که مطرح می شد قابل توجه بود.

مشارکت پایین در این استان ها می تواند نشانگر این باشد که کاندیدها آن طور که باید در کمپین ها و مناظرات خود به مطالبات این بخش از جامعه نپرداختند و اگر هم نکته ای در این زمینه ها گفته شده، قابلیت اقناع بخش خاکستری جامعه را نداشته است.

جای خالی انتخابات شورای شهر

انتخابات ریاست جمهوری گذشته همزمان با انتخابات شورای شهر و روستا بود؛ این انتخابات به افراد و گروه ها در شهرهای کوچک و بزرگ انگیزه مشارکت می دهد تا به دوست و آشنا و فامیل شان رای دهند. انتخابات اخیر اما به دلیل سانه هلی کوپتر زودتر از موعد خودش برگزار شد و این همزمانی از بین رفت. بدین ترتیب افرادی که از این طریق پای صندوق رای حاضر می شدند در این دوره مشارکت نکردند. در واقع در فقدان انتخابات شورای شهر، در این انتخابات شرکت نکرده و یکی از دلایل مهم کاهش محسوس آرای پابله نیز همین بوده است.

استان	درصد رای ۱۴۰۰	درصد رای ۱۴۰۳
آذربایجان شرقی	۲۵/۴۴	۴۴
آذربایجان غربی	۷۸/۴۶	۴۰/۱۲
اردبیل	۵۴/۹۳	۴۶
اصفهان	۴۳/۸۱	۴۱
البرز	۴۱/۳۵	۳۶
ایلام	۶۳/۱۱	۴۷
بوشهر	۵۸/۷۳	۴۶
تهران	۳۴/۳۹	۴۵
چهارمحال و بختیاری	۵۴/۳۸	۳۸
خراسان جنوبی	۷۴/۳۸	۶۰/۳
خراسان رضوی	۵۵/۰۹	۴۹/۲
خراسان شمالی	۶۳/۹۷	۴۴/۵۴
خوزستان	۴۹/۹۸	۲۹/۶
زنجان	۵۳/۶۵	۴۶
سمنان	۵۴/۲۴	۳۲
سیستان و بلوچستان	۶۲/۷۵	۳۰
فارس	۴۸/۷۳	۳۶/۲۵
قزوین	۵۲/۳	۴۲
قم	۵۳/۱۷	۵۷
کردستان	۳۷/۳۷	۲۳
کرمان	۶۰/۵۸	۴۵
کرمانشاه	۴۶/۰۴	۳۲/۷۹
کهگیلویه و بویراحمد	۶۲/۵۹	۴۵
گلستان	۶۱	۳۶
گیلان	۵۷/۳۵	۳۱/۳
لرستان	۴۸/۱۶	۳۵
مازندران	۶۰/۷۵	۴۱/۸۲
مرکزی	۴۸/۹۴	۳۹/۴
هرمزگان	۵۸/۷	۴۸
همدان	۴۶/۴۸	۴۰
یزد	۵۸/۴۵	۵۸/۳
کل کشور	۴۸/۸۸	۴۰

نقد روز

یکشنبه ۱۰ تیر ۱۴۰۳

شماره ۴۱۷۳

WWW.FDN.IR

FARHIKHTEGANDAILY

قالیباف در دور دوم از جلیلی حمایت کرد

هفته وحدت



علی مژوعی خبرنگار گروه نقد روز

بعد از حدود دو هفته از آغاز موعده تبلیغات انتخاباتی نهایتا صدای سوت پایان دور اول انتخابات بلند شد و مطابق تنها گزاره درست اکثر نظرسنجی ها نتیجه قطعی به دور دوم منکول شد. محمدباقر قالیباف که با کسب سه میلیون و ۳۸۰ هزار تنها موفق شد ۱۴ درصد آرا را کسب کند، اکنون صحنه را ترک کرده و بدنه حامی او مهم ترین پایگاه اجتماعی برای تعیین تکلیف نزع سیاسی جلیلی و پزشکیان محسوب می شود. بدنه ای که قالیباف در بیانیه روز گذشته خود از آنها دعوت کرده است برای پیروزی جلیلی در انتخابات چهاردهمین دوره ریاست جمهوری تلاش کنند. قالیباف در مهم ترین بند بیانیه انتخاباتی خود نوشت: «علی رغم اینکه اینجانب برای شخص آقای دکتر پزشکیان احترام قائل هستم، اما به دلیل نگرانی از برخی اطرافیان ایشان، از همه نیروهای انقلابی و حامیان خود می خواهم که کمک کنند تا جریانی که مسبب بخش مهمی از مشکلات اقتصادی و سیاسی امروز ما است، به عرصه قدرت بازنگردد، لذا همه باید تلاش کنیم تا نامزد جبهه انقلاب آقای دکتر جلیلی به عنوان رئیس دولت چهاردهم انتخاب شوند.» این موضع حمایتی قالیباف این سوالات را به وجود می آورد که چرا او ابتدا حاضر نشده وارد ائتلاف با جلیلی شود و حالا با چه نیتی وارد میدان شده است. اگر کمی دقیق تر به فضای انتخاباتی به وجود آمده در شب انتخابات بنگریم پاسخ های قابل تاملی برای رفع این ابهامات در دسترس است.

ریسک بالای انصراف

این سوال را که چرا قالیباف با وجود بدنه اجتماعی پایین پیش از انتخابات حاضر نشده به نفع جلیلی کنار برود می توان با دو گزاره پاسخ داد؛ اولاً با پایان دور اول انتخابات ریاست جمهوری نتایجی رقم خورد که اگر با نتایج نظرسنجی های اندک موسسات معتبر تطبیق داده شود حتما عجیب به نظر می رسد. اکثر نظرسنجی ها سوم شدن قالیباف را پیش بینی کرده بودند اما هیچ یک نتوانسته بودند رقمی را پیش بینی کنند که نزدیک به ۱۴ درصد آرای کسب شده توسط او باشد. ثانیا مثل انتخاباتی شکل گرفته نظرا به قدری پیچیده کرد که نه تنها نمی شد مطمئن بود درصورت انصراف هریک از کاندیدها آرای او به قدری به سید رقیب هم جناحی منتقل شوند که پیروزی را تضمین کند، بلکه ممکن بود با ریختن بخشی دیگر آرا به سید پزشکیان انتخابات در همان دور اول به نفع اصلاح طلبان تمام شود. ضمن اینکه انصراف قالیباف ممکن بود بسیاری را به دادن رای باطله ترغیب و برخی از حامیان را نیز از رفتن پای صندوق مایوس کند. این مساله علاوه بر اینکه آسیبی بر وجهه انتخاباتی محسوب می شود نصاب را نیز برای کسب ۵۰ درصد آرا پایین آورده و رسیدن به آن را برای پزشکیان در دسترس تر می کرد. با توجه به پایین بودن آرای قالیباف همین استدلال را در مورد انصراف احتمالی جلیلی نیز می توان مطرح کرد؛ چراکه درصورت انصراف او قالیباف برای پیروزی در انتخابات باید موفق به جذب حداقل هشت میلیون رای از سید جلیلی می شد. امری که با توجه به نزع سیاسی به وجود آمده حتما سخت تر از حالت معکوس آن یعنی کنار رفتن قالیباف به نفع جلیلی محسوب می شود.

جلیلی از طرفی تلاش داشت مانع از آن شود که بدنه هواداری او تحت تاثیر نتایج انتخابات با هدف تقابل با جلیلی رای خود را به سید پزشکیان انداخته یا از حضور مجدد در پای صندوق صرفنظر کرده و عرصه را به دولت سوم روحانی واگذار کنند. او از طرف دیگر با این اقدام کار را برای اصلاح طلبانی که احتمالا شیطنت رسانه ای در این رابطه را در برنامه کاری هفته پیش رو خود قرار داده اند، سخت تر کرد.

نتایج به وجود آمده اثبات می کند که با توجه به ریسک انصراف بهترین اقدام برای بالا بردن شانس پیروزی کشاندن انتخابات به دور دوم و قراردادن پزشکیان بدون برنامه در مقابل جلیلی است که در مناظرات انتخاباتی این دوره چهره ای متفاوت و مؤثر از خود به نمایش گذاشته است. این مناظرات اما همانقدر که ظرفیت محسوب می شوند، می توانند برای جلیلی به مثابه تیغی دولبه عمل کند. تبدیل شدن میز مناظره به نزار بر سر چالش های فرهنگی و اجتماعی از آن جهت که ممکن است برای بدن تحریم کننده جذاب به نظر برسد می تواند هزینه سختی به جلیلی تحمیل کند، اما در سوی مقابل با توجه به آنکه بخش زیادی از آرای پزشکیان را آرای قومیتی تشکیل داده، جلیلی اگر بتواند بی ایده بودن کاندیدای اصلاح طلبان را در مسائل اقتصادی بازگو و توجهات را به آن معطوف کند، حتی می تواند به کاهش آرای فعلی پزشکیان امیدوار باشد. فارغ از این موضوع جلیلی برای پیروزی اما کار سختی پیش رو دارد؛ چراکه حامیان او همگی در انتخابات شرکت کرده اند اما پزشکیان سلیقه سیاسی خود را به

با توجه به ریسک بالای انصراف، مطمئن ترین حالت برای قالیباف و جلیلی این بود که حداقل مانع از پایان یافتن انتخابات در دور اول شده و فرصتی برای جذب میزان مطمئن تری از آرا به نفع کاندیدای اصولگرایان فراهم آورند.

مهر ابطال بر رقابت فرعی

اگرچه قالیباف و جلیلی بر سر اینکه کدام گزینه مطلوب و مقبول برای تصدی ریاست جمهوری هستند به اجماع نرسیدند اما حتما بر این موضع که نباید نزار شان به نفع ضلع سوم رقابت یعنی پزشکیان تمام شود، اتفاق نظر دارند. قالیباف نیز با توجه به این اولویت سیاسی بلافاصله بعد از مشخص شدن نتایج نهایی با بیانیه ای وارد میدان شد تا مانع از آن شود که بدنه حامیان وی انرژی سیاسی و رسانه ای خود را بر سر دعوا با بدنه حامیان جلیلی هدر دهند و از رقیب اصلی غافل بمانند. اتفاقی که در شبانه روز گذشته نیز تا حدی رخ داد و برخی اکانت های منتسب به هر دو کاندیدای اصولگرا با افتادن در این دام از میدان اصلی رقابت غافل شدند. امری که احتمالا اعضای ستاد پزشکیان از آن استقبال کردند و بدشان نمی آید بر آتش این دعوا دمیده و مانع از تجمع سید آرای قالیباف و جلیلی شوند. شدت توییت های منتشر شده در فضای تقابل قالیباف و جلیلی در چند ساعت ابتدایی پس از اعلام نتایج این گزاره را در اذهان نخبگان سیاسی به وجود آورده که چه بسا پای ستاد سومی نیز در ماجرای تشدید دعوا وسط باشد. قالیباف با انتشار بیانیه حمایتی از

تحریم کنندگان انتخابات نزدیک تر دانسته و امید دارد با آوردن بخشی از این رای خاموش پای صندوق کار را به نفع خود تمام کند. همچنین جلیلی برای جذب حداکثری ترین آرا از سید قالیباف به عنوان سبد رای نزدیک به خود نیز کار مشکلی دارد و باید بتواند آنها را هم نسبت به فاصله گرفتن از پزشکیان و هم رای دادن به خود متقاعد کند.

فرار از اتهام تخریب گری

با توجه به آنچه در مورد فضای موجود تشریح شد، جلیلی برای پیروزی در انتخابات کار سختی پیش رو دارد و مهم ترین ابزار پیروزی او نیز در دست قالیباف و بدنه حامیان اوست. اگر همه شرایط دست به دست هم ندهد و جلیلی از مجموع چالش های سیاسی موجود پیروز بیرون نیاید، طبعاً بخشی از حامیان او نیز به دنبال مقصر رفته و چه بسا بدون توجه به دلایل اصلی شکست قالیباف را متهم کرده و به انتقام گیری از او مشغول شوند. قالیباف با انتشار این بیانیه تا حد زیادی خواهد توانست خود را از این اتهام مبرا کند؛ چراکه او خواسته یا ناخواسته با کشاندن انتخابات به دور دوم برای جلیلی احتمال پیروزی را به وجود آورده و اکنون نیز با دعوت بدنه به حمایت از جلیلی همه تیرهایش را به نفع جلیلی شلیک کرده و حالا این خود جلیلی است که باید بتواند بدنه مرددهای رای نداده و مرددهای حامی قالیباف را به خود جذب کند.